

عَلَى سُنَّةِ

امیر المؤمنین علی علیہ السلام از دیدگاه اہل سنت

نوشته: علامہ سید ہاشم بحرانی

مترجم و محقق: سید محمد جعفر روضاتی

سرشناسه: بحرانی، هاشم بن سلیمان، - ۱۱۰۷ق.
عنوان قرارداد: علی والسنة. فارسی
عنوان و نام پدیدآور: علی والسنة یا امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت / نوشته هاشم بحرانی؛ مترجم و محقق
محمدجعفر روضاتی.

مشخصات نشر: تهران: ندای کادح، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۲ ص.

شابک: ۱۴۰۰۰ ریال ۷-۲-۹۴۴۵۱-۶۰۰-۹۷۸ ::

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ قبلی: تهران: رایحه عترت، ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- احادیث اهل سنت

موضوع: احادیث اهل سنت

شناسه افزوده: روضاتی، محمدجعفر، ۱۳۲۸ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۸۰۴۱ ب۳ع۸۰۴۱/۳۵/۲۷BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۹۷۸۶۱



نام کتاب: علی و السنة یا امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

تألیف: علامه سید هاشم بحرانی

تحقیق و ترجمه: سید محمدجعفر روضاتی

ویراستار محتوایی: دکتر مهدی مؤمنی

ویراستار ادبی (عربی و فارسی): نرگس خاتون برزگر

گرافیکست: بهداد شریفی

آماده سازی پیش از چاپ: انجمن پژوهشی - مذهبی کادح (www.apmkadeh.com)

انتشارات: ندای کادح

شمارگان: ۳۰۰۰

شابک: ۷-۲-۹۴۴۵۱-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول ناشر، تابستان ۱۳۹۴

قیمت: ۱۴۰۰ هزار تومان

مرکز پخش:

انتشارات ندای کادح، تلفن: ۰۹۳۵۳۹۵۳۲۹۷، ۰۲۱ - ۳۳۷۸۳۰۰۹

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه چاپ چهارم	۱۱
مقدمه چاپ اول	۱۳
گذری و نظری بر زندگی پربار مؤلف	۲۳
علی و السنه	۲۵
شمارش فضایل امیرالمومنین	۲۷
نور واحد	۲۹
ورود به بهشت	۳۱
برترین مردم نزد خدا	۳۳
ظاهر و باطن رسول الله (ص)	۳۵
برترین شوهر	۳۷
تو مثل کعبه هستی!	۳۹
درود فرشتگان	۴۱
نه بخش حکمت نزد علی (ع) است.	۴۳
لولا علی لهلك عمر!	۴۵
عمر: علی مولای من است	۴۹
زهد در دنیا	۴۹
پشتیبان رسول الله (ص)	۵۱
تعمیر کننده کفش!	۵۳
پاسخ به عمر	۵۷
واجب بودن دوستی علی (ع)	۵۷
شهادت بر ولایت علی بن ابی طالب (ع)	۵۹
رهايي از آتش دوزخ	۶۱

پیروان علی(ع)	۶۳
ولایت علی(ع)، ولایت خدا	۶۳
سرور عرب!	۶۵
نشستن بر فردوس	۶۷
گوشت و خون و جان پیامبر(ص)	۶۹
علی(ع) نور عرش و بهشت	۷۱
بوی بهشت	۷۳
محبوب نبی	۷۳
عهد خدای متعال جلت و عظمت	۷۷
دریافت روح علی(ع) و رسول الله(ص) به اراده خدای متعال جلت عظمت	۷۷
نور صورت علی(ع)	۷۹
صدای علی(ع) در معراج	۸۱
خواب انس بن مالک	۸۳
پیشوای پرهیزکاران	۸۵
ده روایت از ابن مردویه	۸۷
جانشین رسول خدا(ص)	۹۱
کشنده خوارج	۹۵
صدیق اکبر	۹۵
امیرالمومنین(ع) سرور مسلمین	۹۹
علی انتخاب حق	۱۰۵
پرچم دار رسول الله(ص) در قیامت	۱۰۹
نوشته روی در بهشت	۱۱۱
در خانه علی(ع)	۱۱۳
علی(ع) امیر آیات قرآن	۱۲۱

آیه مناجات	۱۲۱
شب هجرت	۱۲۵
علی(ع) مولا و سرور هر زن و مرد با ایمان	۱۲۷
مقام و جایگاه علی(ع)	۱۳۳
با علی(ع) باشید	۱۳۷
علی(ع) هدایت کننده است	۱۳۹
علی(ع) صاحب پرچم قیامت	۱۴۱
علی(ع) صاحب علم الکتاب	۱۴۵
نور ولایت	۱۴۷
نجات یافتگان	۱۴۷
روز جنگ بدر	۱۴۹
آیات در شأن علی(ع)	۱۵۱
ازدواج علی(ع) و فاطمه(س)	۱۷۷
احتجاجات علی(ع) بر مردم	۱۸۷
دوازده امام(ع) و پیشوای الهی	۱۹۷
امامان هدایت(ع) در بهشت	۲۰۳
مرگ با دوستی خاندان پیغمبر(ص)	۲۰۵
حدیث کساء	۲۰۷
اولین نافرمانی اصحاب	۲۰۷
فهرست منابع و مآخذ	۲۱۵

مقدمه چاپ چهارم:

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين، لا سيما مولانا سيد المسلمين، امام المتقين، قائد غر المحجلين، وصى رسول رب العالمين، امير المؤمنين، على بن ابي طالب - عليه و على اولاده المعصومين افضل التحية و السلام - و اللعن على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم الدين.

خداوند تعالى حقايق مكتوم را به صورت معارف وحيانى ايجاد كرد و رسول خدا ﷺ آنها را دريافت و به مردم ابلاغ فرمود تا در پرتو آن، آحاد جامعه مسير سلامت و سعادت انساني را بپيمايند و به سوى خداى متعال صعود نمايند. در اين مسير صعودى، انسان نيازمند به حبل الهى است تا به آن تمسك جويد. از اين رو خداوند سبحان به اتحاد بر پايه مستحكم اعتقاد و ايمان دعوت فرمود تا همگان به آن روى آورند و دچار تفرقه نشوند. در اين فراخوان با تعليم كتاب و حكمت و تركيه نفوس، عوامل اختلاف را بر طرف و عوامل اتحاد و امنيت را بر جامعه بشرى اهداء فرمود.

امير المؤمنين، على بن ابي طالب (عليه السلام) در وصف بهترين بندگان خدا مى فرمايد: آنان در ميان دستگيره هاى محكم هدايت، به محكم ترين آنها چنگ مى زنند و از ميان ريسمان ها به قوى ترين آنها تمسك مى جويند.^۲

۱ - آل عمران، آيه ۱۰۳

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۸۷

خداوند سبحان از مسلمانان می‌خواهد همچون یهودیان و مسیحیان نباشند که بعد از آمدن بینه و روشن شدن حقایق با هم اختلاف ورزند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»^۱.

این امر متوجه انبیاء عظام نیز شده که: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»^۲. همچنین خطر اختلاف را به وضوح از دست رفتن شوکت و عزت و اقتدار جامعه عنوان فرمود: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۳. منشاء این اختلاف و گسیختگی عدم تأسی به کتاب خداست. اکتفا کردن به خواندن قرآن و نادیده گرفتن رهنمودهای اساسی قرآن خطر دور شدن از اهداف قرآن را به دنبال خواهد داشت.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) که خود بهترین شاهد بر اختلاف امت بعد از پیامبر خدا بود و تلخی این ظلم و ستم بزرگ را به تمام وجود ادراک فرمود، درباره گروهی که بر تفرقه اتفاق و همدستی داشتند و در عین اجتماع متفرق بودند، می‌فرماید: «فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفُرْقَةِ، وَافْتَرَقُوا [عَنْ] عَلَى الْجَمَاعَةِ، كَأَنَّهُمْ أُمَّةُ الْكِتَابِ، وَلَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ، فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ، وَلَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطَّهٗ وَزَبْرَهُ»^۴.

از این کلام عرشی حضرت، روشن می‌شود منشأ این اختلاف عدم تأسی به کتاب خدا است. همچنین در تشریع داستان حکمت و در وصف قرآن کریم می‌فرماید: خداوند تعالی کسی را مانند آنچه در قرآن کریم آمده است موعظه نفرمود، «فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ»^۵. انگیزه حکمت این بود که آنچه را در قرآن زنده نگهداشته زنده کنند، و آنچه را که قرآن محکوم به مرگ دانسته نابود کنند. احیای قرآن و زنده نگهداشتن آن این است که بر محور کتاب خدا اجتماع کنند و میراندن آن به پراکندگی و جدایی از قرآن است.^۶

۱ - آل عمران، آیه ۱۰۵

۲ - شوری، آیه ۱۳

۳ - انفال، آیه ۴۶

۴ - نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷، ص ۲۰۵

۵ - همان

۶ - همان

قرآن کریم منشأ اختلاف بعد از علم را: ۱ - بغی و ستم؛ ۲ - حب دنیا معرفی می‌فرماید.^۱ وجود مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان خصوصیت چنین کسانی فرمود: ای گروهی که بدن‌هایتان حاضر، عقل‌هایتان غایب و ایده‌هایتان پراکنده است؛ «أَيُّهَا الْقَوْمُ الشَّاهِدَةُ أَبْدَانُهُمْ، الْغَائِبَةُ عَنْهُمْ عُقُولُهُمْ، الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ».^۲

همچنین درباره گروهی که بر تفرقه و پراکندگی اتفاق نظر داشته و در عین اجتماعشان متشتت بودند می‌فرماید: «فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفُرْقَةِ، وَ افْتَرَقُوا عَلَى الْجَمَاعَةِ، كَانَتْهُمْ أَيْمَةُ الْكِتَابِ، وَ لَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ، فَلَمْ يَبْقَ عَنْدهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ، وَ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطَّهُ وَ زَبْرَهُ».

با توجه به مطالب مطرح شده نظر خوانندگان عزیز و محترم را به اهمیت موضوع از دیدگاه عقل و نقل جلب کرده و سخنی را که مورد اتفاق فریقین است از تفسیر الدر المنثور سیوطی نقل می‌کنم. وجود مقدس خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) جهت حفظ وحدت امت اسلامی و عزت و شوکت آن، توجه به دو ارزش بزرگ را اصول این وحدت و ستون و پایه آن معرفی فرمود: «أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَى الْحَوْضِ، فَانْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ، قِيلَ وَ مَا الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْأَكْبَرُ كِتَابُ اللَّهِ، سَبَبَ طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَ طَرَفُهُ بِأَيْدِيكُمْ، فَتَمَسَّكُوا بِهِ لَنْ تَزَلُوا وَ لَا تَضِلُّوا؛ وَ الْأَصْغَرُ عِثْرَتِي، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، وَ سَأَلْتُ لَهُمَا ذَلِكَ رَبِّي، فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَ لَا تَعْلُمُوهُمَا فَإِنَّهُمَا أَعْلَمُ مِنْكُمْ».^۳

باید توجه داشت که قرآن و عترت یک جبل و ریسمان الهی هستند و دو نام برای یک حقیقت‌اند، این معنا در فرمایش پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به روشنی مطرح است، که: «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ». پس شعار حسبنا کتاب الله یا حسبنا العترة هر دو نادرستند. به عبارت دیگر قرآن کریم در عترت طاهره ظهور فرموده و همه القاب قرآن

۱ - وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ؛ بقره، آیه ۲۱۳

۲ - وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَ عَدَهُ إِذْ تَحْسَبُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَسَلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ، آل عمران، آیه ۱۵۲

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ص ۱۴۲

۴ - الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۵

برای آنان نیز ثابت است. آحاد امت اسلامی باید توجه داشته باشند اختلاف نه تنها سودی برای آنها ندارد بلکه از بین بردن ریسمان الهی و آماده سازی نفوذ شیطان در دل جامعه است.

در این رابطه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: شیطان راه های خود را به شما آسان جلوه می دهد تا حلقه های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، اجتماع شما را پراکنده سازد و زمینه فتنه را در شما ایجاد کند. پس از وسوسه و زمزمه و فریبکاری های شیطان دوری کنید.^۱

کتابی را که در پیش رو دارید قطره ای و نمی از اقیانوس ویژگی های وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و ولی ذوالجلال، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است که در سال های گذشته در سه نوبت با مداخل افتخاری که این کمترین داشتیم ترجمه و به چاپ رسید و در این روزها نسخه آن کمیاب شده است. از طرف دیگر وضع کتاب در چاپ قبل به گونه ای بود که رضایت این حقیر را فراهم نکرد، به دنبال آن بودم که با وضعیت بهتر از حیث متن عربی، ترجمه فارسی، ویرایش و اعراب گذاری به چاپ برسد و در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

این مهم را دوست گرامی عزیزم جناب آقای دکتر مهدی مؤمنی - دامت توفیقاته - با گروهی از افراد وارسته و کاردان در نشر ندای کادج به عهده گرفته و با تلاشی بی شائبه و مخلصانه قبول زحمت کرده، به صورت کنونی در آوردند. در همین جا ضمن تشکر فراوان، از خداوند تعالی برای ایشان و همکارانشان توفیقات روز افزون مسئلت دارم. امید است به پیشگاه عرشی وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام مقبول افتد و به مهر تأیید حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام مزین گردد.

من الله التوفيق و عليه التكلان
تهران، سید محمد جعفر روضاتی
تیرماه ۱۳۹۴

مقدمه چاپ اول:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي نور قلوبنا بأنوار محبة العلوية، وجعلنا من المتمسكين
بولاية المرتضوية، والصلوة على اشرف البرية، ابي الاكوان بفاعليته و
أَمَّ الامكان بقابليته، محمد و اله القرشيه، سيما ببقية الله منهم،
و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

علامه بزرگوار سید رضی - رضوان الله عليه - در مقدمه نهج البلاغه می گوید از
عجایب امیرالمؤمنین (علیه السلام) - که مخصوص خود اوست - این است که اگر کسی در
سخنان او، که درباره زهد و پند و اندرز و نهی از منکر وارد شده تأمل کند و قطع نظر
نماید از اینکه او را به خلافت و حکومت و زمامداری و نفوذ امر می شناسد؛ تردیدی
نخواهد داشت که گوینده این سخنان جز ترک دنیا و عبادت کاری نداشته و در گوشه
خانه یا در دامن کوهی، دور از مردم و اجتماع می زیسته است و باور نخواهد کرد که
این کلمات و مواظظ گفتار مرد دلیری است که با شمشیر برهنه در ورطه خطرناک
جنگها فرو می رفت و از این همه مردانگی گردی به دامن قدس و زهد او راه پیدا
نمی کرد و در زهد و ترک دنیا از همه پیشتر و دلیری او از همه برتر و بالاتر بود. این
از فضایل عجیب اوست که اضداد را در خود جمع کرده و پیوند داده است.

با توجه به آنچه که سید رضی (علیه السلام) در مقدمه نهج البلاغه آورده است می توان
گفت هر کس به تاریخ آشنا باشد و کمی قدرت عقلی داشته و فلسفه تاریخ بداند

یقین می‌کند امیرالمؤمنین علی علیه السلام در همه صفات و فضایل اخلاقی، افضل، اکمل و اعلم صحابه پیامبر خاتم الانبياء بود و در هر فضیلتی مقام برتری و مدال اولیت برای او محفوظ است و اصولاً نام او را جز با نام پیامبر خاتم الانبياء بردن و دیگران را با وی مقایسه کردن خلاف انصاف و حقیقت است زیرا او با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برادر و در همه فضایل با او برابر است. هر کس کتب بزرگان اهل سنت را بررسی نماید به این حقیقت دست می‌یابد که علی برادر پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه جان پیغمبر است.

همین بس کاحمد حنبل روایت
کند در شأن وی هفتاد آیت
وز اخبار نبی در مدحت وی
بگوید کز همه پیش است مروی
ابو داوود نیز اندر سنن گفت
که پیغمبر دُری خوش زین سخن گفت
علی منی اولی مثل رأسی
و عنی لا یلی الا کنفسی
هم از آن شه عدو آورده وافر
که من عادی علیاً فهو کافر
علی را قدر، پیغمبر شناسد
که هر کس خویش را بهتر شناسد
اگر چه بودن روز از پس شب
برای جلوۀ نور است انسب
الف را چون سه صفر از پیش باشد
شود الف و شکوهش بیش باشد^۱

جورج جرداق نویسنده مسیحی و دانشمند معاصر در کتاب پر ارزش خود، صوت العدالة الانسانیة، در ص ۱۶۲ می گوید هرگاه بخواهیم درجه علاقه امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بر اصلاحات اساسی و حقوق بشر بدانیم لازم است مقایسه‌ای بین گفتار آن حضرت و اعلامیه حقوق بشر که سازمان ملل صادر کرده است داشته باشیم. اعلامیه حقوق بشر را هزاران نفر از مردم متفکر جهان تنظیم کرده و نمایندگان دولت‌های بزرگ پس از تجارب و تحصیلات چندین ساله به صدور آن اقدام و به جهان اعلام کرده‌اند ولی نباید فراموش شود که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) به تنهایی در چهارده قرن پیش به صدور این اعلامیه اقدام کرده است.

فرمان آن حضرت به مالک اشتر که در نهج البلاغه آمده گویای این حقیقت است که در سال‌های اخیر در سازمان ملل متحد، این فرمان به ثبت جهانی رسید و خبرگزاری‌های دنیا خبر آن را در جهان مخابره و منتشر کردند.

پدر بزرگوار بشر، این انسان کامل و معلم ملکوتی در محیطی زندگی کرد که محیط او نبود. افسوس و دریغ که مردم قدر او را ندانستند!

متأسفانه تاریخ اسلام نشان می‌دهد که پیدایش عوامل گوناگون که ریشه در دنیا طلبی، حسادت، ریاست و دیگر رذائل اخلاقی و اجتماعی داشته امت مسلمان را دچار تفرقه و تشتت نموده است. در این راستا صفحات تاریخ حوادث تلخ و رقت آوری را ترسیم کرده که نویسندگان مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و سنی، دوست و بیگانه به مناسبت‌های مختلف آنها را یادآور شده.

بدین مناسبت فرازی را از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی ذکر می‌کنیم. او از تاریخ بغداد از ابن عباس آورده: اوائل خلافت عمر بود، بر او وارد شدم. ظرف خرمایی که در حدود یک من خرما داشت جلوی خلیفه بود. به من تعارف کرد، من یک دانه از آن برداشتم ولی خلیفه بر سر آن ظرف نشست و یک دانه باقی نگذاشت. سپس کوزه آب را برداشت و یک جا نوشید. پس از آن تکیه بر مسند خود داد و خدا

را پی‌درپی شکر می‌کرد. سپس از من سؤال کرد کجا بودی؟ گفتم: در مسجد. گفت: حال پسر عمویت چون است و چه می‌کند؟ ابن عباس گوید: سؤال خلیفه به گونه‌ای بود که من به عبدالله جعفر تطبیق کردم گفتم: در کوچه با همسالان خود بازی می‌کند. گفت: او را نگفتم، مقصود من بزرگ فامیل و رئیس خاندان بنی‌هاشم «علی» بود. گفتم: دیروز خدمتشان شرفیاب شدم، بیرون شهر مشغول به کار آبیاری بود و نخلستان خود را مراقبت می‌کرد و در ضمن قرآن تلاوت می‌فرمود. خلیفه گفت: می‌خواهم از تو چیزی سؤال کنم، گناه عرب بر تو باد اگر حقیقت را نگوئی. آیا هنوز خود را خلیفه پیغمبر ﷺ می‌داند؟ گفتم: تردید ندارد. گفت: پس معتقد است پیغمبر ﷺ او را به خلافت تعیین کرده؟! گفتم: مگر در این امر شک و تردیدی است؟ پدر محافظه کار من نیز (همین را) می‌گفت و (به آن) جداً معتقد بود، بارها از پدرم شنیدم که می‌گفت علی جانشین حقیقی پیامبر ﷺ است.

عمر گفت: بله!!! در مواردی پیغمبر اکرم ﷺ سخنانی فرمود ولی همه آنها قابل تأویل است و برای علی ایجاد حق نمی‌کند. یک موضوع هست که من از تو کتمان نمی‌کنم. پیامبر ﷺ در بیماری مرگ خواست به نام او تصریح کند من مصلحت ندیدم و بر اسلام ترسیدم و جلو پیامبر ﷺ را گرفتم. پیامبر ﷺ مقصود مرا فهمید و دیگر دم فرو بست!!!

داستان‌های دیگری را در همین رابطه ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود آورده است که به دلیل اختصار از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

یونس بن حبیب نحوی که مردی عثمانی مذهب است، می‌گوید: به خلیل بن احمد گفتم از تو سؤالی و پیش از آن خواهشی دارم. خواهش من این است که این سؤال را مکتوم داری، زیرا پرسیدن چنین سؤالی در این اوضاع و احوال جرمی است غیر قابل بخشش.

خلیل گفت: پاسخ و جواب چنین سؤالی خطرناک‌تر است. من سزاوارترم که بر

حفظ اسرار، اصرار داشته باشم. گفتم: اطمینان می‌دهم در دوران حیات تو چیزی نخواهم گفت و کتمان خواهم کرد. گفت: سؤال کن. گفتم: همه صحابه پیامبر با هم بسته و پیوسته‌اند. چنانکه گویی همه برادران، تنی و از شکم یک مادر آمده‌اند. اما همه به علی بن ابی طالب به چشم دیگری می‌نگریستند، گویی تنها او از نامادری است. مدتی تأمل کرد و گفت: چه شد به این فکر پرداختی و مرا برای پاسخ آن انتخاب نمودی؟ چه فکری در مورد من کردی و چه نقشه‌ای کشیدی؟ گفتم: شما به من وعده دادی که طفره نروی و جواب آن را بگویی. گفت: تو نیز وعده دادی که پاسخ و جوابی که شنیدی پنهان کنی. گفتم: اطمینان می‌دهم تا زنده‌ام به کسی نگویم.

گفت: علی در اسلام آوردن بر تمام صحابه پیشی و در علم و شرافت و زهد بر همه آنها برتری و بیش از همه آنها در میدان‌های جنگ علیه کفار مبارزه داشت. آنها نسبت به او حسادت ورزیدند. مردم میل و رغبتشان به افرادی که به خودشان شباهت دارند بیشتر است.^۱

به همین دلیل است که می‌بینیم تاریخ افرادی را معرفی کرده که نه تنها در مقابل نص اجتهاد نموده و آراء مخالف کتاب و سنت را استحسان و قیاس می‌کردند بلکه آراء خود را بر کتاب و سنت ترجیح می‌دادند.

اگر رسول خدا ﷺ در امر خلافت نص و تصریح نفرموده بود پس ابوبکر چرا با رسول خدا ﷺ مخالفت کرد و بر عمر تنصیص کرد و او را برای خلافت تعیین نمود؟! و چرا عمر با هر دو مخالفت کرد و امر خلافت را به شورا وا گذاشت؟!

این فراز نیز برگرفته شده از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی است؛ ابن عباس می‌گوید: روزی با خلیفه دوم از کوچه‌ای می‌گذشتم، دست مرا گرفته بود و مرا در مسیرم همراهی می‌کرد. گفت: راستی علی مظلوم واقع شده است. با خود گفتم اگر پسر خطاب در مقام سخنوری بر من پیروز شود حق ادعای شاگردی علی را نخواهم

۱ - به نقل از امالی طوسی و احتجاج طبرسی

داشت و سکوت در این مورد جرم است.

گفتم: اگر راست می‌گویی رفع ظلم کن، تو همه کاره بودی و از هر کجا جلوی ضرر گرفته شود نفع است. او دست خود را از دست من کشید و از من جدا شد. سپس ایستاد تا من به او رسیدم. گفتم: این عباس سن او مقتضی نبود، مردم زیر بار نمی‌رفتند. با خود گفتم عذر بدتر از گناه همین است و این سخن هم نباید بی‌جواب بماند.

گفتم: خلیفه خداوند (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) او را بزرگ داشت و دستور داد سوره برائت را از رفیق تو بگیرد و بر اهل مکه بخواند اگر چه مردم او را کوچک بدانند. چون این سخن گفتم او از من قهر کرد و رفت.

چون همی دانی که شهر علم را حیدر در است
خوب نبود جز که حیدر میر و مهتر داشتن
چون درخت دین به باغ شرع هم حیدر نشانند
باغبانی زشت باشد جز که حیدر داشتن
جز کتاب الله و عترت ز احمد مرسل نماند
یادگاری کان توان تا روز محشر داشتن
از پی سلطان دین پس چون رواداری همی
جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن

کتابی که در پیش رو دارید از آثار ارزشمند علامه گرانقدر فقیه مفسر و محدث توانا سید هاشم بحرانی رحمۃ الله علیه است. در این کتاب سیمای الهی امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت به طور اجمال و در نگاهی کوتاه با ذکر مآخذ و منابع آن به رشته تحریر در آمده است. مؤلف بسیاری از احادیث را که واژه‌های آن نیاز به توضیح علمی و ادبی داشته با توانمندی کامل توضیح داده و تبیین نموده است.

این کمترین، با هدایت حضرت حق و عنايات خاصه مولى الموالى اميرالمؤمنين على عليه السلام نسخه‌ای از این کتاب شریف را - که جدّ علامه‌ام فقیه بزرگ و محقق والا مقام آقا میرزا محمود روضاتی آن را از نجف تهیه کرده و در کتابخانه والد معظم و بزرگوارم فقیه و محدث توانا مرحوم حاج سید محمد روضاتی (طاب ثراه) نگهداری می‌شد - مشاهده کردم.

با ارشاد و تشویق مرحوم والد معظم تئذی ضمن تحقیق و تهیه منابع و مآخذ آن، آن را ترجمه و منتشر کردم که مورد استقبال خوانندگان عزیز قرار گرفت به طوری که در سال‌های اخیر این کتاب کمیاب شده و در دسترس نبود.

با درخواست دوستان و با استمداد از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی عليه السلام توفیق مجدد یافتم آن را بهتر و با اضافه نمودن متن عربی و بازنگری مجدد در متن عربی و ترجمه فارسی، چاپ و منتشر کنم تا در اختیار خوانندگان و علاقمندان عزیز قرار گیرد. امید آنکه مقبول نظر افتد و در دنیا و آخرت از دوستان و پیوندگان مسیر آن بزرگوار باشیم.

مرا پیر طریقت جز علی نیست

که هستی را حقیقت جز علی نیست

مبین غیر از علی پیدا و پنهان

که در غیب و شهادت جز علی نیست

مجو غیر از علی در کعبه و دیر

که هفتاد و دو ملت جز علی نیست

چه باک از آتش دوزخ که در حشر

قسیم نار و جنت جز علی نیست

اگر کفر است اگر ایمان بگو فاش

که در روز قیامت جز علی نیست

اساس هر دو عالم بر محبت
بود قائم محبت جز علی نیست
در آن حضرت که دم از «لی مع الله»
زند أحمد معیت جز علی نیست
وجود جمله اشیاء از مشیت
پدید آمد مشیت جز علی نیست
شهنشاهی که بر درگاه ملائک
زنندش پنج نوبت جز علی نیست
علی آدم علی شیث و علی نوح
که در دور نبوت جز علی نیست
علی أحمد علی موسی و عیسی
که در اطوار خلقت جز علی نیست
ترا پیر طریقت گو عمر باش
مرا پیر طریقت جز علی نیست
اگر گویی علی عین خدا نیست
بگو نیز از خدا هرگز جدا نیست^۱